

ز خوردان خواستم کار بزرگان
سیردم کار خوردان بر سترگان
ز کار این داشت عجز از دیگری عار
از ان کار بزرگ و خورد شد زار
ز دست غز نیفتادم بدین روز
که هم از اتش خویشم بدین سوز

* * *

شود ویرانه ملکی از خطائی
ز خبطی خسروی گردد کدائی
هر آنکس سنجر اساشد خطا کار
بدست غز یسای اید گرفتار
ز تاریخ جهان کر راز بینی
هزاران سنجر و غز باز بینی
بد آنکس بخت بندد سخت پیوند
که بر پس گیرد از پیشینیان پند
چو دیدی پیشرو افتاد در چاه
بزودی باز پس بر کرد از ان راه
و گرنه بر تو جز از تو زیان نیست
زیان بر کس ز بخت و آسمان نیست

بقعه شیخ صفی

— چهار ماه قبل از این از طرف وزارت علوم و وزارت
مالیه برای بازدید و تفتیش بقعه شیخ صفی و تعیین کتب و آثار عتیقه
و سایر موقوفات آن دو نفر نماینده تعیین و بمصاحبت موسیوهرتسفلد
آلمانی اول متخصص در شناختن اشیاء عتیقه مشرقی مخصوصاً ایران
بطرف اردبیل رهسپار شدند.

پس از بازدید و تحقیقات کامله آقای اقا سید عبدالرحیم خلخالی
شرح تفتیش و تحقیقات را بوزارت متبوعه خود نگاشته و چون از هر
جهت این بقعه تاریخی و کتب و اسباب موقوفه آن که تاکنون از دستبرد
حوادث مصنوع مانده فوق العاده مهم و شگفت اوراست

ماعین مشروحه آقای خلخالی را که بوزارت متبوعه خود نگاشته
انتشار میدهم تا خوانندگان از آثار پی بصاحبان اثر برده از روزگار
شکوه و ثروت و آبادی ایران یاد کنند

(اینک عین مشروحه آقای خلخالی)

تاریخ بنای بقعه

بنای بقعه در اواخر قرن هفتم هجری که زمان حیات خود شیخ صفی است ساخته شده ابتداء خانه مسکونی شیخ بوده که پس از فوت جسد او را در همانجا دفن کرده اند. سید صدر الدین پسر شیخ در قرن هشتم هجری شروع بتوسعه و تزئین او نمود.

تا اوائل قرن دهم هجری که دولت صفویه طلوع کرد بروفق و شکوه او بیش از پیش افزوده شد.

شیخ صفی چون دارای دو جنبه بوده یعنی هم مریدین طریقتی داشت و هم پیروان دنیوی باین جهت از قرن هفتم تا قرن یازدهم این مقبره بایک سرعت فوق العاده ای آباد و مزین گردید و برای اینکه اولاد او سلطه سلطنتی داشتند بسرور ایام از قرن هشتم تا آخر قرن یازدهم این بقعه زیارتگاه و مرجع عموم گردید از این رو املاک و اراضی و مستغلات زیادی وقف بر این بقعه گردید، لیکن بطوریکه وقفنامه ها و اوراق باطله موجوده در بقعه بما خبر میدهد موقوفات بر بقعه زاید بر اینهایی که موجود است بوده پس از انقراض این سلسله هر که هر که شده و از بین رفته است.

و اکنون هم قسمتی از املاک و اراضی در تصرف دیگرانست مقدار کمی از املاک موقوفه را در سنوات سابقه دولت از بقعه اجاره نموده ولی فعلا بعنوان خالصه عمل میشود و سالی یک صد خروار غله باسب خدام بقعه و هفتاد تومان و کسری هم بنام مصارف رویشائی میپردازند بقیه املاک و اراضی و مستغلات را دیگران بتصرف مالکانه خود در آورده اند که استرداد آنها باستثناء اطراف بقعه و چند فخره املاکیکه تا این اواخر در تصرف بوده است بواسطه محظورات زیاد غیر ممکن است.

طرز ساختمان بقعه

چون از مهندسی و معماری اطلاع ندارم انطوریکه باید و شاید

نمی‌توانم راجع باین موضوع از عهده بیان کافی و شافی بر این نقشه‌های بعضی از ابنیه و ساختمان آن برداشته شده است با مراجعه باین نقشه‌ها و عکسها از طرز ساختمان یا نقاشی و کاشی کاری مقرنس و منبت کاریها تا حدی مسبوق و مطلع خواهید شد روی هم رفته میتوان گفت که این بنا از ابنیه درجه دوم ابنیه تاریخیه ایران بشمار میرود ولی جای تأسف اینجاست که در ظرف دو قرن طوری بی اعتنائی و بی مبالائی اولیای امور آن را مندرس کرده که شاید با مبالغه گزافی نشود که به صورت اولیه درآید.

اشیاء باقیه بقعه

اشیائی که تا دو قرن قبل در بقعه موجود بوده است از هرحیت غیر قابل توصیف است گذشته از اینکه اغلب در محل دسترس جهال و ظلام بوده سه دفعه هم باغاره رفته است

اول: در اواخر سلطنت شاه طهماسب ثانی مقداری از طلاات و نقره و جواهرات بقعه را برداشته بمصرف قشون کشی رساند

دوم بعد از انقراض صفویه نادر شاه افشار مقداری بمصرف مصالح مملکت رساند. سوم: در زمان جنگ روس و ایران موقعیکه روسها وارد اردبیل شده اند قسمت مهم اثاثه و اشیاء نفیسه را بیغما بردند که من جمله یکصد و شصت مجلد از کتب موجوده بوده است

باقی اشیاء که از دستبرد و تظاول مصون مانده بود بواسطه بی مبالائی متصدیان - فاسد و تباه و برخی بکلی غیر قابل استفاده گردیده است شرح اشیاء جزء فجزه در عملیات مأموریت اولیه خود بمعرض رسانیده و این جا هم مختصراً اشاره‌ای بان مینمایم

شرح اشیاء موجوده دو بقعه

(۱) دو صندوق فوق العاده مهم یکی بالای قبر شیخ صفی و دیگری روی قبر شاه اسمعیل که هر دوازده حیت منبت کاری باعاج و فیروزج عظیم‌الظنیرند

- (۲) مقداری ظروف چینی ایرانی است که مجموعاً هشتصد و شش پارچه و تقریباً سیصد پارچه آن سالم و بقیه شکسته و مویه دار است بعضی از آنها در نهایت نفاست و در اکثر اسم شاه عباس منقوش است
- (۳) پارچه های زیادی از قبیل پرده و رو پوش صندوق و غیره از جنس مخمل و زری است که بواسطه رطوبت محفوظه و دست نخوردن پوسیده است با این کیفیت خالی از اهمیت نیست
- [۴] دوازده تخته قالیچه که از صنایع عصر صفویه است یکی از آنها زربافت و خیلی نفیس است اما حیف که چند جای آن پوسیده و پاره شده است
- (۵) چند مجلد قرآن که بعضی با کاغذ پوست اهو و خط کوفی است
- همچنین حدس میزنم که از تحریرات قرن اول یا دوم هجری باشد دو مجلد از اینها تمام با طلا نوشته شده است
- و از خطوط خطاطین درجه اول مثل یاقوت مستعصمی و علاءالدین و با یسقر و غیره است
- (۶) چند مجلد کتاب که موجود است چندان محل توجه نیست فقط هفت جلد از آنها مورد توجه و قابل اهمیت هستند
- | | |
|--------------------|--------|
| شاهنامه فردوسی | دو جلد |
| خمسه نظامی | دو جلد |
| نامه ماتفی | یک جلد |
| شهنامه قاسمی | یک جلد |
| خسرو و شیرین نظامی | یک جلد |
| فرهاد و شیرین وحشی | یک جلد |
- این ها از حیث تصویر و کاغذ و جلد خیلی ممتاز لیکن باقی قابل ذکر و محل توجه نیستند

کتاب قابل توجه

مقدار زیادی اوراق و کتاب در یکی از اطاقهای مرطوب بقعه در گوشه بشکل اوراق باطله در حالتیکه غبار روی تمام آنها را فرا گرفته بود ریخته

بواسطه عشق مفرطی که بکتاب دارم مشغول زیر و رو کردن اوراق بواطل برآمدم در ضمن يك جلد قرآن خطی بدون نقص بخط بایسنقر که از قرانهای نفیس گرانها است متأسفانه در میان خاکروبه ها و رطوبات پوسیده از میان رفته که چند ورق آن برای نمونه موجود است و يك پیوره ترجمه فارسی تفسیر طبری در میان اوراق یافتم در صد گنج کاوی برآمده شش مجلد از هفت جلد دوره تمام آن بدست آمد تاریخ تالیف آن اواخر قرن سوم هجری و تاریخ ترجمه آن سیصد و چهل و پنج هجری و اولین کتاب فارسی میباشد

در تاریخ سیصد و شش نوشته شده و ششصد و هشت مذهب گردیده تا کنون که از این تفسیر کتابی باین جامعی بدست نیامده است فقط يك نسخه از جلد اول در کتابخانه پاریس و یکی هم در کتابخانه انگلستان است

و این نسخه مقدمتر از دو نسخه اولی که در اروپا میباشد هست عجله کشف این کتاب نفیس با توجهات مخصوصه مقامات عالیه و ریاست کل مالیه بدست بنده شده البته امتیاز طبع آنرا هم حقاً بکشف اعطا خواهند فرمود

اشیاء متفرقه در بقعه

مقداری اشیاء متفرقه قدیمی در بقعه از قبیل طلاهای ریخته شده از دربها و پنجرهها و نقره الات و فلزات و بیه سوز و شمعدان و طشت و پنجه های بزرگ علم و غیره غالباً محکوک و منبت باب طلا و نقره اغلب اینها خیلی ممتازند مخصوصاً يك طشت که از مصنوعات قرن هشتم است

اقدامات و عملیات اینجانب

(الف) از اعتبار سه هزار تومان فقط یک هزار و دوویست و هشتاد تومان و کسری با کمال صرفه جوئی بمصارف تعمیرات لازمه و احداث پنج باب دوکان و یک دستکاه عمارت فوقانی و تهیه اثاثه از قبیل قالی و چراغ و قالیچه و حصیر و مخارج عکاسی و نقشه برداری و مساعدت به خدام فقیر رسیده است

(ب) مبلغ چهارصد و چهار تومان از بابت اجاره دکا کین و عمارت فوقانی عایدات سالانه برای بقعه تهیه کرده در تصرف رئیس معارف و اوقاف دادم

(ج) راجع به قسمتی از موقوفات مسلمیه بقعه (قریه انا خاتون در حومه تبریز و مزرعه حسنک در قزوین و اطراف بقعه که در میدان عالی قاپو معروف است) اسناد مثبته و مقننه بدست آمده بعضی از این اسناد بمهر و سچل تمام علمای اردبیل است

یک سند بمهر یحیی خان مشیر الدوله مرحوم راجع بقریه حسنک قزوین و یکی بمهر علماء درجه اول قزوین راجع بقریه انا خاتون. برای استرداد این قسمت از موقوفات که سالانه شاید از سه هزار تومان بیشتر عایدات داشته باشد هیچ مانع و محظوری موجود نیست فقط اندک توجه دولت لازم است

بعلاوه عموم رؤسای دوائر دولتی و معماران محل و جمعی از معتمدین اهالی موقوفه قطعی بودن قسمتی از اطراف بقعه را کتباً تصدیق کرده اند

(د) مقداری از اشیاء را برای نمونه مطابق یک طفره صورت

همراه خود بطهران آورده ام

(ه) دوره کتاب ترجمه تاریخ طبری توسط بیست حمل

طهران شد

در خاتمه عرض میکنم که اگر دولت عطف توجهی بفرماید که اشیاء حاضره در
ظهران بمعرض نمایش عموم گذارده شود تا مردم را بیاد ایام عظمت و
ابهت خود انداخته تولید عواطف و احساسات بنماید (اتمی)

قطعه

خر - شتر

بزیر بار کران نیمه ره فرو ماندند - شنیده ام خری از دسته اشتری ز قطار
جهاز و بالان بگرفتشان زیشت و بدشت - بخود گذاشت و بگذشت کاروان سالار
بسبزه زاری نجستند ره براب و علف - کران دشت وزدید ار ره روان بکنار
چویک دو هفته دران سبزه زار آسودند - زرنج ایمن و ازاب سبزه بر خوردار
شکنج دوش فراموش کرد یکسره خر - چنانکه سفله چو عالی شود زیار و تبار
سحر گهی چو گذر کرد کاروان در دشت - شنید گوش خر از راه دور بانگ حمار
علم نمود دم و گوش تیز و بر سر تل - دوید و نیش کشود و دهن درید چو غار
چو خواست غرغر کردن شتر دوید لبیش - بلا به گفتش کاوازه سر مکن زنهار
دوروزه راحت و آب و علف زیادت برد - چگوته زحمت راه و تحمل خروار

* * *

خر از شتر نپذیرفت و تیز و غرغر کرد - خراز تل چو زبالای کوه ابر بهار
برهنمائی او از به باز اشتر و خر - شدند اسیر فسار و مهار و سختی بار
چو کاروان دوسه فرسنگ راه در پی نمود - بزیر بار خر خام ماند از رفتار
بحکم قافله سالار لاجرم گردید - بیار اشتر بیچاره نیز خر سر بار
بگو مساری در راه بود کرده - مهیب و پرتگه و سنگلاخ و تاهموار
فراز کرده چون کاروان رسید بکوه - شتر برقص در آمد چو مست از مضمار
بلا به گفت خراینجا چه جای رقا صیست - معجوه هلاکت بار و مشو رفیق ازار
جواب دادش کاوازه تو بر سر تل - مرا برقص در آورد بر سر کهسار
تمام نشده پاسخ گز اوج خر بحضیض - دراو فتاده و پرتاب شد معلق خوار
هزار یاره شد از سنگ خاره بیکر خر - به خاره سنگی هر یاره گرفت قرار